

پیام طبقاتی ۱۶ آذر دانش جویان: «آزادی، برابری، دفاع از جنبش کارگری»

بهرام رحمانی

۱۶ آذر امسال، در فضایی برگزار شد که اعتراض و اعتصاب با شکوه کارگران سراسر کشور از جمله اعتراض و اعتصاب کارگران صنایع پتروشیمی، کارگران کارخانه قند یاسوج، کارگران ساوجبلاغ، کارگران اخراجی پالایشگاه آبادان، کارگران نختاب فیروزان و تراکتورسازی تبریز، کارگران شرکت توسعه صنایع پزشکی ایران، کارگران کارخانه فرش گیلان، کارگران کارخانه پارس ایران، کارگران کارخانه مینو خرم دره، اعتراض کارگران سراسر کشور به ساختار نظام تامین اجتماعی، مخالفت با خصوصی سازی و اخراج، قراردادهای موقتی و پیمانی و با مطالبه پرداخت دستمزدهای معوقه، حق تشکل مستقل و اعتصاب، افزایش دستمزد، بیمه بی کاری، و... در جریان بود و اکنون نیز این اعتراضات هم چنان در حال رشد و گسترش است.

۱۶ آذر ۸۲، پنجاهمین سالگرد مبارزه دانش جویان در راه آزادی و برابری در هر دو رژیم های جانی و دیکتاتوری پهلوی و جمهوری اسلامی است. ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و ۵۹ تا ۶۰ و ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، اوج وحشی گری رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی، در سرکوب و کشتار دانش جویان آزادی خواه است که در تاریخ جنبش های توده ای و اجتماعی ایران ثبت شده است.

رژیم جمهوری اسلامی، در حالی که از ماه ها قبل دست به جنگ تبلیغاتی برای خاموش کردن اعتراض دانش جویان زده بود، نتوانست کاری از پیش ببرد. بنا به گزارش خبرگزاری ها در تجمعات «غیرقانونی و بدون مجوز» دانش جویان، هزاران تن دانش جوی مبارز و آزادی خواه شرکت کردند و علیه سردمداران رژیم، شعارهای انقلابی سر دادند. روز ۱۶ آذر، دانش جویان در شهرهای تهران، مشهد، شیراز، ارومیه، همدان، اصفهان، تبریز و... مراسم های مختلفی را برگزار کردند. در محوطه دانشگاه تهران، از ساعت ۳ بعد از ظهر، هزاران دانش جو گرد آمدند و شعارهای نظیر «زندانی سیاسی آزاد باید گردد!»، «زنده باد آزادی، زنده باد برابری!» و «جنبش دانش جویی از کارگران اعتصابی حمایت می کند!» سر دادند. بنا به گزارش های منتشر شده، نیروهای انتظامی در اطراف دانشگاه و خیابان انقلاب، در حال آماده باش به سر می بردند و تدابیر امنیتی شدیدی را برقرار کرده بودند. مامورین انتظامی و یگان ویژه ضد شورش، در خیابان انقلاب، حتا از توقف هر عابری جلوگیری به عمل می آوردند. ترافیک سنگینی در خیابان انقلاب و خیابان های اطراف دانشگاه به وجود آمده بود. دانش جویان در شیراز، با

حمایت مردم آزادی خواه در فلکه «ارم» تظاهرات کردند. در اصفهان بیش از هزار دانش جو در منطقه دروازه شیراز، دست به تجمع اعتراضی زدند و در مقابل یورش نیروهای انتظامی رژیم، ایستادگی کردند. در حمله پلیس و یگان های ضد شورش به دانش جویان حدود ۳۰۰ تن دانش جو دستگیر شدند و صدها تن دیگر نیز زخمی گردیدند. ماموران برای متفرق کردن دانش جویان و مردم معترض از ماشین آتش نشانی نیز استفاده کردند. در مشهد، صدها تن از دانش جویان در دانشگاه فردوسی تجمع نمودند و با برپا کردن تریبون آزاد سخن رانی کردند. در تبریز، بیش از هزار دانش جو، به استقبال برگزاری گرامی داشت روز دانش جو رفتند.

هر چند که دانش جویان سراسر کشور، به دلیل خفقان و شرایط پلیسی نتوانستند روز ۱۶ آذر امسال را در سطح سراسری با راهپیمایی های وسیع اعتراضی برگزار کنند، اما به لحاظ استقلال این حرکت ها از عوامل رژیم، و طرح شعارهای پیشرو و رادیکال و کمونیستی، نظیر «جنبش دانش جویی، از جنبش کارگری دفاع می کند»، «زنده باد آزادی، زنده باد برابری»، تحول و تحرک جدیدی را در جنبش دانش جویی به وجود آوردند. این شعارها بار دیگر خواب را از چشمان سردمداران رژیم ربود و نشان داد که جنبش دانش جویی، پس از سرکوب و نفوذ دار و دسته های وابسته به رژیم، در حال شکل دادن صف مستقل خود است. بدین ترتیب شعارهای کوبنده ای که از دانشگاه های ایران بلند شده است، درجه ای از رشد و آگاهی و گسترش گرایش آزادی خواهی، چپ و کمونیست در جامعه ایران را نشان می دهد. برخی از شعارهای دانش جویان در روز ۱۶ آذر ۱۳۸۲ چنین بود:

– ۱۶ آذر روز: به خون کشیده شدن ندای آزادی خواهی!

– آزادی، برابری!

– جنبش دانش جویی از اعتصاب کارگران حمایت می کند!

– جنبش دانش جویی از: اعتصاب کارگران پتروشیمی حمایت می کند!

– توپ، تانک حراست، دیگر اثر ندارد!

– توپ، تانک، بسیجی، دیگر اثر ندارد!

– هاشمی، هاشمی ایران شیلی نمی شه!

– سیمای لاریجانی، خاموش باید گردد!

– من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی خیزند!

– مرگ بر استبداد!

– مرگ بر دیکتاتوری!

– شرکت در انتخابات، جنایت، جنایت

– زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

خاتمی خاتمی، خجالت خجالت

– خانمی خاتمی، ننگ به نیرنگ تو!

– دیکتاتور حیا کن، مملکتو رها کن!

دانش جو بیدار است، از سیدعلی بیزار است!

سلطنت آخوندی دیگر ثمر ندارد!

این شعارها به لحاظ مضمونی و محتوایی و به لحاظ هدف قرار دادن کلیت رژیم، جان تازه‌ای به جنبش دانش‌جویی می‌بخشد و افق طبقاتی را در مقابل جامعه قرار می‌دهد. بر این اساس اکنون می‌توان گفت که فعالین آزادی‌خواه، برابری‌طلب، چپ، سوسیالیست و کمونیست جنبش دانش‌جویی، پس از پشت سر گذاشتن یک دوره طولانی سرکوب، سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام، کمر راست کرده‌اند تا در جهت تحولات اقتصادی و اجتماعی به نفع خود و کارگران و توده‌های محروم و تحت ستم گام‌های جدی و موثری بردارند. بنابراین ضروری است که جنبش کارگری کمونیستی ایران، توجه ویژه‌ای به این عرصه داشته باشد. چرا که مضمون طبقاتی شعارهای این دوره، با دوره‌های قبل متفاوت است. همچنین واضح است که نه جناح موسوم به «اصلاح‌طلبان» رژیم و نه جناح‌های خارج از حاکمیت در ایران و نه احزاب و گرایش‌های راست و لیبرال در اپوزیسیون جمهوری اسلامی از این شعارها خشنود نشدند. این شعارهای انقلابی و اجتماعی تن‌گرایش‌های بورژوازی را به لرزه انداخت. بنابراین ضروری است که این موقعیت جدید را درک کرد و هر چه بیش‌تر در تقویت آن کوشید.

همچنین روند مبارزه آزادی‌خواهانه طبقاتی ایجاب می‌کند که جنبش دانش‌جویی در دوره آتی، گام‌های عملی برای پراتیک کردن شعارهایش بردارد. یعنی اگر کارگران کارخانه‌ای اعتصاب و راهپیمایی اعلام بکنند، دانش‌جویان مبارز و انقلابی نیز با صدور اطلاعیه‌هایی، از دانش‌جویان و توده‌های مردم دعوت نمایند که در این اعتراض و راهپیمایی شرکت کنند. شکی نیست که طبقه کارگر نیز به عنوان یکی از طبقه اصلی جامعه که به طور مداوم علیه ستم و استثمار سیستم سرمایه‌داری و رژیم مبارزه می‌کند، طبیعی‌ست که از خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جنبش زنان، جوانان و دانش‌جویان و جنبش‌های انقلابی «ملل» تحت ستم حمایت و پشتیبانی کند. در چنین روندی است که این جنبش‌ها با هم پیوند می‌خورند و صف عظیم و قدرت‌مند طبقاتی خود را به وجود می‌آورند. از این طریق این جنبش‌ها نه تنها قادر به تحمیل مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود به کارفرمایان و رژیم خواهند بود، بلکه فعالین سیاسی و اجتماعی و توده‌ها نی در بطن مبارزه طبقاتی پیگیر و مداوم خود را برای تحولات سرنوشت‌ساز و تاریخی در جهت سرنگونی رژیم و برپایی جامعه‌ای انسانی، آزاد و برابر آماده می‌کنند.

جمهوری اسلامی، علاوه بر سرکوب و سانسور، ترور و اختناق، اکثریت خانواده‌ها و فرزندان آنان را دچار بحران و در معرض فروپاشی اجتماعی قرار داده است. بررسی‌ها و آمارها نشان می‌دهد که

اکنون دانشگاه‌های ایران، فقط به فرزندان پول‌داران و ثروت‌مندان محدود نیست، بلکه بخش زیادی از دانش‌جویان دانشگاه‌های سراسر کشور، فرزندان کارگران و مردم محروم و تحت ستم هستند که با مشکلات زیاد اقتصادی و اجتماعی به تحصیل مشغولند. از این رو طبیعی است که دانش‌جویان آزادی‌خواه، چپ و کمونیست رهبری جنبش دانش‌جویی را به دست بگیرند و آن را در مسیر مبارزه در جهت منافع توده‌های محروم قرار دهند. سال‌هاست که اکثریت جامعه ایران، از سرکوب‌های خونین، تهدید و ترور، سانسور و اختناق، شکنجه و اعدام، فقر و فلاکت جان‌شان به لب‌شان رسیده است. در چنین شرایطی فقط با برکناری این رژیم می‌توان، خلاقیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه به ویژه جوانان و دانش‌جویان را در راه سازمان‌دهی اقتصاد برابر و پویا براساس نیازهای واقعی جامعه به کار انداخت. رژیم جمهوری اسلامی، بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین مانع در راه رشد و شکوفایی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رفاه، عدالت‌همگانی و آزادی جامعه است. در هر صورت دیر یا زود باید این مانع از سر راه جامعه برداشته شود.

البته کم نیستند دانش‌جویانی که به دلیل فشارهای اقتصادی و رشد روزافزون تورم و گرانی، تحصیلات خود را در نیمه راه رها می‌کنند تا شاید کاری بیابند و کمکی برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان بکنند. اما متأسفانه بسیاری از آنان از پیدا کردن کار و تشکیل زندگی مستقل، ناامید و سرخورده می‌شوند و دچار آسیب‌های اجتماعی می‌گردند، چرا که نه کاری برای تامین زندگی وجود ندارد و نه بیمه بی‌کاری مکفی.

متأسفانه روزی نیست که رسانه‌ها خبر از رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی فاجعه‌بار که ریشه در عمکرد اقتصادی و سیاسی رژیم دارد، ندهند. اخیراً روزنامه شرق (۲۰ آذر ۱۳۸۲۹)، در مطلبی تحت عنوان «هراس اجتماعی: روند رشد افزایش کمی آسیب‌های اجتماعی» نوشت: «به طور متوسط هر هفته ۳۵ دختر از خانه می‌گریزند و روزانه یک دختر فراری مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد...».

گفته می‌شود فقط در تهران، بیش از دویست هزار کودک خیابانی سرگردان است و طعمه آماده‌ای برای باندهای مافیایی قاچاق مواد مخدر، دزدی، فحشا و غیره هستند. عمدتاً سرنخ این باندها در دست عوامل رژیم است. بنا به آمارهای رسمی در حال حاضر ۱۱۴ موضوع به عنوان آسیب‌های اجتماعی در ایران در دست بررسی است.

از سوی دیگر در تجمع اعتراضی اخیر کارگران قم عنوان شد که بیش از نیمی از مردم ایران، زیر خط فقر قرار دارند. کارگران قم، چند روز قبل در اعتراض به وزارت رفاه و تامین اجتماعی، در مقابل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تجمع کرده بودند. دبیر خانه کارگر رژیم در قم، در این تجمع اعتراضی با بیان این که این تجمع اعتراضی است به وضع موجود و مشکلات عدیده‌ای که کارگران و

بیمه‌شدگان با آن روبه‌رو هستند، گفت: «بیش از نیمی از مردم ایران، زیر خط فقر به سر می‌برند و اکثر اقشار جامعه به خصوص کارگران برای گذران زندگی خود دغدغه معاش دارند». وی افزود: «دولتی که قادر به پرداخت بدهی خود به کارگران نیست، چگونه می‌خواهد به اقشار مختلف مردم در وزارت رفاه و تامین اجتماعی خدمات ارائه کند؟»

چند روز پیش نیز رسانه‌ها جمهوری اسلامی خبر دادند، ۴۰ مرد ۱۳ تا ۵۰ ساله، در تهران به دلیل سرما جان خود را از دست دادند. سردار محمودی، مدیرکل مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی تهران در باره مرگ این افراد نگون‌بخت گفت: «مگر ما به افراد بی‌خانمان کارتن داده‌ایم، پاسخ‌گویی به چنین مشکلاتی وظیفه فرمانداری و استانداری است. افرادی که در اثر سرما جان داده‌اند، علاوه بر معتاد، می‌توانند متکدی یا مسافر نیز باشند».

واقعیت‌ها نشان می‌دهد که ابعاد دردها و رنج‌ها و مشکلات جامعه ایران، به حدی وسیع و گسترده و فاجعه‌بار است که حد و مرزی نمی‌توان برای آن‌ها ترسیم کرد. سؤال این‌جاست که چگونه می‌توان این همه سرکوب و اختناق، شکنجه و اعدام و فقر و فلاکت را دید و باز هم بی‌شرمانه از رژیم جمهوری اسلامی و یا جناحی از آن حمایت کرد و یا به مضحکه انتخابات آن دل بست. یا جامعه را از انقلاب ترساند و شعار فراندوم و یا انتظار اصلاحات ذره‌ذره از بالا را به جامعه توصیه کرد. چنین توصیه‌هایی به درد کارگران، زنان، جوانان، دانش‌جویان، معلمان، پرستاران، مردم محروم و تحت ستم و آزادی خواه نمی‌خورد؟!

در چنین شرایطی ضروری است که دانش‌جویان انقلابی و کمونیست مبارزه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود را از محوطه دانشگاه‌ها به خیابان‌ها بکشند و همراه با کارگران و مردم محروم و ستم‌دیده، با سر دادن شعارهایی نظیر «آزادی همه زندانیان سیاسی»، «لغو شکنجه و اعدام»، «لغو کلیه قوانین قصاص و جنایت»، «لغو سیستم آپارتاید جنسی»، «جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش»، «تحصیل و بهداشت رایگان»، «بیمه بی‌کاری مکفی برای همه بی‌کاران»، «حق مسکن و اولاد»، «تامین زندگی کودکان خیابانی»، «لغو کار کودکان و تامین تحصیل آنان»، «تغییر کتاب‌های آموزشی متناسب با دستاوردهای علمی»، «حقوق برابر برای همه شهروندان جامعه ایران بدون توجه به ملیت و جنسیت»، اعتراضات و تظاهرات ده‌ها و صدها هزار نفری در خیابان‌ها و میادین شهرهای سازمان‌دهی و برگزار کنند. رژیم در چنین شرایطی، جرات رویارویی با این حرکت‌های عظیم توده‌ای را نخواهد داشت و همواره به عقب‌نشینی و ادار خواهد شد تا جایی که به گورستان تاریخ پرتاب شود. یعنی به جایی که مردم معترض و آزادی خواه در انقلاب ۵۷، رژیم سلطنتی را روانه آن‌جا کردند. اکنون اکثریت مردم این کشور، با آگاهی و تجارب طبقاتی بیش‌تری عزم کرده‌اند که جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و مستقیماً نیز بر سرنوشت انسانی و جامعه خویش حاکم شوند.

یک دیگر از مهم‌ترین پیام دانش جویان در سالگرد ۱۶ آذر، تحریم انتخابات مجلس هفتم جمهوری اسلامی است: «**شوکت در انتخابات، جنایت، جنایت**». این اولین بار است که تحریم مضحکه انتخابات رژیم، نه از سوی اپوزیسیون خارج کشور، بلکه در دانشگاه‌های ایران، خوف و وحشت در وجود سردمداران رژیم انداخته است. دانش جویان پیشرو و رادیکال مردم آگاه و آزادی‌خواه می‌دانند، انتخابات در حاکمیت جمهوری اسلامی، مسخره و تظاهری بیش نیست و شرکت در چنین انتخاباتی به رسمیت شناختن بقا و ادامه موجودیت رژیم است. با هر انگیزه و دلیلی پای صندوق‌های رای رفتن به نفع رژیم تمام می‌شود. براین اساس هیچ توجیهی برای شرکت در انتخابات مجلس هفتم جمهوری اسلامی و دیگر انتخابات آن وجود ندارد. از سوی دیگر عدم شرکت مردم در انتخابات، جمهوری اسلامی را در نزد افکار عمومی مردم جهان رسواتر می‌سازد و دولت‌های غرب نیز به راحتی نمی‌توانند زیر بغل این رژیم جانی و آدم‌کش را بگیرند.

در چنین شرایطی شکی نیست که راه نجات جامعه ایران، در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی است. انقلاب به همه محرومیت‌ها، زشتی‌ها، مشقت‌های سرمایه‌داری و خشونت و وحشی‌گری‌ها و خرافات ملی و مذهبی خاتمه می‌دهد و امید و آرمان‌های تاریخی بشر را متحقق می‌سازد.

بدین ترتیب سالگرد ۱۶ آذر امسال، پیامی تازه و انقلابی از خود بر جای گذاشت. پیامی که از یک سو گرایش چپ جامعه را به وجد آورد و از سوی دیگر بورژوازی در قدرت و اپوزیسیون را نیز نگران ساخت. اکثریت رادیوها و تلویزیون‌های لوس‌آنجلسی سلطنت‌طلبان که به دنبال هر سوژه بی‌اهمیت و خبرهای غیرواقعی می‌دوند تا جار و جنجال را بیاندازند، در سالگرد ۱۶ آذر مهر سکوت به لب زدند و کلامی بر زبان نیاوردند. چرا که واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲، علیه کودتاچیان پهلوی و آمریکا بود، اکنون که طیف سلطنت‌طلبان رویای احیای سلطنت را با لشکرکشی آمریکا در سر می‌پروراند، طبیعی است که با سکوت از کنار این واقعه مهم تاریخی بگذرند. بنابراین جنایت گارد شاهنشاهی در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، علیه دانش جویان معترض در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ توسط ماموران انتظامی و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی تکرار شد. دانش جویان پیشرو و انقلابی در پنجاه سال گذشته، به غیر از دوران کوتاهی در انقلاب ۵۷، همواره مورد بی‌حرمتی و تهدید و سرکوب رژیم‌های سلطنتی و جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی دانشگاه‌ها را به عنوان مراکز علم و دانش، دشمن درجه یک خود می‌داند. بی‌جهت نبود که خمینی زندان اوین را دانشگاه می‌نامید. بنابراین روشن است که گرایش انقلابی و رادیکال جنبش دانش جویی بر علیه هر دو رژیم و گرایش‌های خرافی ملی و مذهبی باشد.

اکنون دوره جدیدی در جنبش دانش جویی ایران، همانند جنبش‌های دیگر طبقاتی و اجتماعی ضد سرمایه‌داری و ضد اختناق آغاز شده است. این دوره دانش جویان رادیکال تلاش می‌کنند در مقابل

قداره‌بندان جمهوری اسلامی و تبلیغات مسموم‌کننده طیف سلطنت‌طلبان و به طور کلی بورژوازی بایستند؛ نیروهای بسیج و انتظامی را از دانشگاه‌ها بیرون برانند؛ تشکل‌های مستقل خود را به وجود آورند؛ در کنار طبقه کارگر، دست به تبلیغ و ترویج و سازمان‌دهی مبارزات توده‌ای در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی بزنند تا از این طریق دگرگونی‌های اساسی در ساختارها و بنیادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آید. در چنین شرایطی نیز دانش‌جویان، هم‌دوش و هم‌گام با فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان و دیگر جنبش‌های آزادی‌خواه با اتکا به علم‌رهایی بشر، پایه‌های جامعه جدید را طوری بنیان‌گذاری کنند که احترام به حرمت و موجودیت انسان و رفاه و عدالت همگانی، آزادی، برابری و شادی شهروندان مقدم بر دیگر مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد.